

**مطالعه کیفی زمینه‌های گرایش دختران به جنس مخالف  
(مورد مطالعه: دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام)**

حشمت قبادی<sup>۱</sup>

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۵/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۹

**چکیده**

رابطه بین دو جنس در همه جوامع وجود دارد اما در هر فرهنگی به شیوه‌ای خاص نمود می‌یابد و نحوه مواجهه و برخورد با آن نیز متفاوت است. این پدیده از بدو پیدایش تاکنون تغییرات کمی و کیفی زیادی یافته و به شکل‌های مختلف باز تولید شده است و در آینده می‌تواند تغییراتی در نهاد خانواده ایجاد کند. پژوهش حاضر مبتنی بر پارادایم کیفی و روش تحلیل تماتیک است، تکنیک اصلی گردآوری داده‌های مصاحبه و انتخاب نمونه‌ها به روش هدفمند و با استفاده از معیار اشباع نظری صورت گرفت. تحلیل داده‌ها منجر به یافتن چند مضمون اصلی در خصوص گرایش دختران به جنس مخالف شد که در سنخ‌شناسی کلی مبتنی بر هدف، سه هدف شناسایی گردید. برخی از دختران با هدف کسب شناخت، عده‌ای با هدف ازدواج و برخی برای تنوع و کسب لذت به این روابط گرایش پیدا می‌کنند. یافته‌های پژوهش نشان داد که در حوزه فردی، نیازهای عاطفی، جنسی، تنوع و سرگرمی و ازدواج و در حوزه اجتماعی، فشار گروه همسالان، مصرف رسانه‌ای، کیفیت روابط والد-فرزند و در حوزه فرهنگی، استحاله ارزشی و از بین رفتن قبح رابطه، زمینه‌های گرایش آن‌ها به رابطه با جنس مخالف است.

**واژگان کلیدی:** رابطه با جنس مخالف، جوانان، دختران، مصرف رسانه‌ای، گروه همسالان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

۱- گروه جامعه‌شناسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران. (نویسنده مسئول). HeshmatGh55@yahoo.com

#### مقدمه

روابط دوجنس (دختر و پسر) در سراسر دنیا و از جنبه‌های مختلف همواره موضوعی بااهمیت و در خور بررسی بوده است. اما به نظر می‌رسد «در هیچ کشوری به اندازه‌ی ایران، این موضوع چالش‌برانگیز و مسأله‌ساز نبوده است» (شاه‌آبادی و سلیمانی، ۱۳۹۱: ۳۴۰). در خصوص روابط دختر و پسر در ایران، به علت خلأ مطالعاتی و فقدان تحقیقات بسنده، اطلاعات دقیق و روشنی در دست نیست، اما با این حال، شواهد و نتایج مطالعات حکایت از گسترش این روابط دارد. براساس پژوهش‌های صورت گرفته «بیش از نیمی از دختران دانشجوی در تهران پیش از ازدواج، رابطه و دوستی با جنس مخالف را داشته‌اند و حدود یک چهارم نیز تماس جنسی را پیش از ازدواج تجربه کرده‌اند، هم‌چنین در تهران بین ۲۰ تا ۶۰ درصد افراد گروه سنی ۱۴ تا ۱۸ سال، اغلب به طور پنهانی و بدون رضایت خانواده، ارتباط عاطفی و رابطه فیزیکی و جنسی برقرار می‌کنند. نتایج پژوهش‌ها درباره دانشجویان تهرانی که به تازگی متأهل شده‌اند، نشان می‌دهد که ۴۷/۷ درصد از زنان و ۴۸/۷ درصد از مردان روابط عاطفی و ۱۱/۹ درصد از زنان و ۲۰/۳ درصد از مردان روابط فیزیکی و جنسی را پیش از ازدواج تجربه کرده‌اند (خلج‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲-۸).

نوگرایی و جهانی شدن با ایجاد فرصت‌های ارتباطی وسیع از طریق رسانه‌های مختلف، به ویژه رسانه‌های الکترونیکی، موجب تعاملات وسیع اجتماعی و فرهنگی بین جوامع گوناگون با فرهنگ‌های متفاوت شده است. این امر سبب شده تا مردم جوامع مختلف از نوع زندگی اعضای جوامع دیگر اطلاعات پیدا کرده، از رفتار و اندیشه‌های آنان، ایده‌های جدید بگیرند (خواجه نوری و دل‌آور، ۱۳۸۹: ۴۲). تغییر در الگوهای رفتاری، سبک زندگی، عادت‌واره‌ها و نگرش اعضای جامعه به ویژه جوانان از پیامدهای این تحولات بوده که سبب شده است «پدیده‌هایی که پیش‌تر مسأله اجتماعی نبوده‌اند، امروزه در برخی از فرهنگ‌ها به مسأله اجتماعی تبدیل شوند، یکی از این پدیده‌ها، روابط دختر و پسر است.» (خواجه نوری و دل‌آور، ۱۳۸۹: ۴۲). به اعتقاد میلز، یک مسأله اجتماعی زمانی پدید می‌آید که مردم یک جامعه متوجه شوند ارزش‌های اجتماعی آنان نادیده گرفته شده و یا به طور کلی مورد تهدید قرار گرفته است (میلز، ۱۳۸۱: ۲۳). آن‌چه امروزه دوستی دختر و پسر را در جامعه ایران به مسأله اجتماعی تبدیل کرده است، تعارض بین نگرش‌های مذهبی و سنتی از یک‌سو و نگرش‌های جدید از سوی دیگر است که باعث شده نسل امروز دچار نوعی سردرگمی و پریشانی شود. هر چند مطالعات اخیر نشان می‌دهد که تغییرات ارزشی و نگرشی در ایران در جهت مثبت تلقی نمودن روابط و معاشرت‌های دو جنس می‌باشد. «پدیده‌ی معاشرت و دوستی دختر و پسر در جامعه‌ی ما پدیده‌ای نوظهور و مدرن است و در سال‌های اخیر همراه با دگرگونی‌های ساختی و اجتماعی مانند گسترش شهرنشینی، صنعتی شدن، افزایش سطح تحصیلات، حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، گسترش مکان‌های هم‌حضور زنان و مردان و گسترش کمی و

کیفی وسایل ارتباط جمعی، این پدیده به شکل نوظهور و از بطن روابط بین شخصی جوانان پدیده آمده است (رجبی و البرزی، ۱۳۹۶: ۳).

برای نمونه، استان ایلام در گذشته به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی (بن‌بست جغرافیایی) و حاکمیت فرهنگ سنتی، روند تغییرات فرهنگی و اجتماعی در آن بسیار کند و بطئی بوده و به دلیل بافت فرهنگی و بومی منطقه، هم‌نوایی با آموزه‌های سنتی و مذهبی الگوی غالب بر جهت‌گیری‌های شناختی، عاطفی و کنش افراد به شمار می‌رفت و روابط بین دو جنس (دختران و پسران) نیز تابع معیارهای سنتی و مذهبی بود، اما در دهه‌های اخیر به دلیل گسترش دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، ورود دانشجویان غیربومی، افزایش استفاده از وسایل ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای، در مسیر تغییرات فرهنگی و اجتماعی قرار گرفته است. پیامد چنین تحولاتی، گسترش ارتباطات فرهنگی و اجتماعی بوده که برآیند آن تغییر در نیازها، سبک زندگی، اوقات فراغت و در نهایت نظام ارزشی و نگرشی افراد جامعه بوده است، نمونه این تحولات، دگرگونی در فرایند تولید و بازتولید تعریف و تصور دختران از خود و روابط خود با جنس مخالف است که مصادیق عملی آن در فضای عمومی جامعه بسیار مشهود و ملموس است.

«روابط دختر و پسر در همه‌ی جوامع وجود دارد، اما در هر فرهنگ و جامعه‌ای به نحوی خاص ظهور و بروز می‌کند، انواعی چند می‌پذیرد و نحوه مواجهه و برخورد با آن نیز متفاوت است. به این معنا که در جوامع غربی، به دلیل زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی خاص خود، به پیامدهای اجتماعی رابطه دوستی با جنس مخالف کمتر توجه شده و به جای آن بیشتر بر پیامدهای پزشکی مانند بیماری ایدز توجه شده است» (شیائو، ۲۰۱۰)

نکته‌ی حائز اهمیت این است که «این پدیده از بدو پیدایش تاکنون، به لحاظ کمی و کیفی تغییر زیادی یافته است. منظور از تغییرات کیفی آن است که رابطه با جنس مخالف به شکل‌های مختلف باز تولید شده است که می‌توان به روابط هم‌خانگی، ضدعاشقانه (الگوهای مدرن) و روابط مبتنی بر عشق سیال (الگوهای پسامدرن) اشاره کرد (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۸-۲۶). منظور از تغییرات کمی نیز آن است که برخلاف گذشته که جوانان با یک نفر رابطه داشتند اکنون با چند نفر (هم‌زمان یا طی دوره‌ای) رابطه جنسی دارند. در این راستا شواهد نشانگر آن است که «از میان دانشجویان مجرد شهر تهران ۳۵ درصد فقط یک رابطه، ۳۶/۵ درصد دو یا سه رابطه با جنس مخالف و ۲۸/۳ درصد بیش از سه رابطه با جنس مخالف را تجربه کرده‌اند (خلج‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲).

رابطه با جنس مخالف از آن رو حائز اهمیت است که هم بر فرد اثر می‌گذارد و هم بر کل جامعه، به عبارتی هم برای فرد و هم برای جامعه پیامدهای متعددی دارد. به عنوان نمونه در بُعد اجتماعی می‌توان گفت: «ظهور و بروز این پدیده در جامعه ما بر بسیاری از نهادهای اجتماعی اثر می‌گذارد و می‌تواند به مرور نهاد ازدواج و خانواده را با چالش‌های جدی مواجه نماید» (رجبی و البرزی، ۱۳۹۶: ۴) تأخیر در ازدواج، افزایش تعداد مجردها، کاهش نرخ ازدواج، گسست‌های خانوادگی و افزایش طلاق، شکل‌گیری و گسترش الگوهای جدید زندگی مشترک نظیر ازدواج سفید و ... از جمله این موارد است.

در بُعد روانی می‌توان گفت، افزایش سوءظن و بدبینی نسبت به یکدیگر حتی بعد از ازدواج، بی‌اعتمادی به همسر، احساس گناه، ترس از افشای روابط و نگرانی از پایان رابطه و افزایش آسیب‌های روحی و روانی، از پیامدهای این روابط است. در بُعد فرهنگی نیز فراگیر شدن روابط بین دو جنس در جامعه و شکسته شدن قُبُح این روابط، با آموزه‌های دینی و بافت اجتماعی و هنجاری جامعه در تعارض آشکار است. لذا توجه به پیامدهای منفی روابط بدون ضابطه دو جنس در عرصه عمومی و تشدید اختلالات هنجاری در فرهنگ رسمی جامعه از دیگر دلایل اهمیت پرداختن به روابط بین دو جنس در جامعه است.

اما آن‌چه که از اهمیت اساسی برخوردار است، آن است که «پویایی این پدیده همچنان ادامه دارد، به طوری که دامنه‌ی نفوذ این پدیده‌ی اجتماعی به رده‌های سنی پایین‌تر از جمله نوجوانان گسترش یافته است» (محمدی و محمدی، ۱۳۹۵: ۶۴۳). بنابراین با عنایت به ابعاد ذکر شده، پرداختن به این مسأله و تبیین آن از ضرورت و اهمیت اساسی برخوردار است. مطالعه حاضر درصد پاسخگویی به این سؤالات است که دختران چه نگرشی نسبت به معاشرت و رابطه با جنس مخالف دارند و هدف آنها از این روابط چیست؟ و این نگرش چه رابطه‌ای با زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی دارد؟ و نهایتاً به چه دلایلی به این روابط گرایش دارند؟

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ارتباط با جنس مخالف با اهداف مختلفی صورت می‌گیرد و انگیزه‌های متفاوتی، جوانان به ویژه دختران را به سوی چنین روابطی سوق می‌دهد. نتایج پژوهش‌ها در ایران گویای این است که «سبک‌های جدید زندگی، فشار دوستان در گرایش به جنس مخالف مؤثر بوده است» (خواجه نوری و دل‌آور، ۱۳۸۹). همچنین «روابط مجازی، تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای، داشتن گرایش مذهبی، گرایش به مُد با باور دانشجویان و گرایش به جنس مخالف رابطه معنادار وجود دارد» (کشاوری، رضایی‌پور، ۱۳۹۴). «احساس نیاز، حس کنجکاوی و کسب تجربه، شبکه روابط اجتماعی و گروه‌های دوستی، سوژه، بیکاری، شرایط اقتصادی، فشار فرهنگی، افزایش سن ازدواج، افزایش فناوری‌های ارتباطی و تغییر ارزش‌های فرهنگی در جامعه، از جمله مهم‌ترین عوامل پیدایش و گسترش این روابط هستند» (آزادارمکی و شریفی ساعی، ۱۳۹۰). ضمن این که «ویژگی‌های شخصیتی، عوامل تربیتی و اجتماعی در کیفیت شکل‌گیری رابطه با دوست غیر هم‌جنس مؤثرند» (خرمایی و زارعی منوجان، ۱۳۹۶). «تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های هویتی، تعهد هویت و کیفیت دوستی در بین دو جنس» (حجازی و فرتاش، ۱۳۸۵). «نیاز جنسی، نیاز عاطفی و ترس از مجرد به عنوان مسائل فردی و تأثیر شبکه‌های اجتماعی، فشار همسالان، کاهش نظارت خانواده، تغییر در نگرش‌ها و ارزش‌ها، (ابراهیمی و مهداد، ۱۳۹۸) از عوامل تأثیرگذار در گرایش به جنس مخالف است.

الکساندر و همکاران (۲۰۰۶) در مطالعه خود نشان دادند که «بسیاری از جوانان در رابطه با جنس مخالف راهبردهای تقریباً یکسانی مانند رابطه به خاطر داشتن شریک عاشقانه، تجربه دست گرفتن، بوسیدن و داشتن رابطه‌ی جنسی را در پیش گرفته‌اند، ضمن این که طبق نتایج این پژوهش، شکل دوستی با جنس مخالف به روابط صمیمانه فیزیکی منجر می‌شود».

ویتا (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان «تجربه روابط عاشقانه، روابط جنسی و دوستی در اینترنت» نشان داد که فضای مجازی محیط منحصر به فردی را برای افراد به منظور یادگیری و تجربه در مورد روابط و تمایلات جنسی در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد. همچنین به بررسی خصوصیات افراد (شخصی، فیزیکی و جذابیت) مقدار زمان صرف شده در دوستی‌های آنلاین، طول مدت ارتباط و تأثیرگذاری این ارتباط بر فعالیت‌های آنلاین می‌پردازد.

براون و همکاران (۲۰۰۶) «نقش و پیامد هم‌خانگی بیش از ازدواج را بر زندگی جوانان متأهل بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که این روابط، پیامدهای زیان‌باری مانند کاهش کیفیت زندگی، بی‌ثباتی و طلاق در پی داشته است».

اهمیت روابط بین دو جنس نه تنها در تحقیقات تجربی، بلکه در نظریه‌پردازی‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناسی نیز تبلور یافته است. در تبیین این روابط باید سطوح سه‌گانه کلان (تحولات ساختاری)، میانی (خانواده و سبک زندگی) و خرد (گروه دوستان و همسالان) و تأثیر آن‌ها را مدنظر قرار داد. بنابراین در تبیین نظری مسأله، سعی خواهد شد نظریات مرتبط با موضوع مورد بررسی قرار گیرد. «به لحاظ نظری وبر به این نکته توجه داشت که افراد در ارتباط‌های متقابل خود با یکدیگر، درون بافت مشخص تاریخی، به کنش‌های خود معنای ذهنی یا اعتباری می‌بخشند. منظور وبر از کنش، رفتار معنادار و هدفمند است» (دیلینی، ۱۳۸۷: ۲۰۴). نزد وی، بررسی جامعه، تجسم بررسی کنش اجتماعی انسان‌ها بود. ایشان معتقد بود که «علاوه بر تبیین ساختاری باید به کنش‌های مبتنی بر معنای ذهنی افراد نیز توجه کرد، از نظر وبر، کنش‌های اجتماعی افراد که مبتنی بر انگیزه‌ها و معانی ذهنی هستند، سبب دگرگونی اجتماعی می‌شوند. به همین دلیل او چهار نوع کنش اجتماعی براساس انگیزه و معانی ذهنی تفکیک کرد. کنش سنتی، کنش عاطفی، کنش عقلانی معطوف به هدف و کنش عقلانی معطوف به ارزش» (کوزر، ۱۳۸۶: ۳۰۰). وبر بر این باور بود که بین این چهار نوع کنش و دگرگونی‌های اجتماعی قرابت معنایی وجود دارد و در جامعه، همواره ترکیبی از این چهار نوع کنش وجود دارد، اما همواره یکی از این کنش‌ها بر بقیه غلبه دارد و دگرگونی‌های اجتماعی نیز با این کنش‌های اجتماعی قرابت دارند (کیویستو، ۱۳۸۵: ۸۳). برای مثال نوع کنش با نوع جامعه، نوع اقتدار، نهادهای اجتماعی و نوع نهادها رابطه دارد. «وبر معتقد است که در جامعه مدرن، کنش افراد مبتنی بر عقلانیت معطوف به هدف است و افراد در تعامل اجتماعی با دیگران، برای دستیابی به اهداف شخصی خود به کنش می‌پردازند» (پاشا، ۱۳۸۶: ۹۱).

نظریه‌های ساختاری به بررسی تأثیر جامعه و ساختارهای آن بر افراد می‌پردازند. یکی از اندیشمندان حوزه نظریه ساختاری، پیتر. ام. بلاو می‌باشد که بر نظریه ساختارهای کلان تأکید ویژه‌ای دارد. وی ساختارهای اجتماعی را به عنوان موقعیت‌های مختلفی (مانند جنسیت، نژاد، قومیت و...) مدنظر قرار می‌دهد که افراد در آن توزیع شده‌اند و به همین دلیل نیز نظریه او به دیدگاه توزیعی یا موقعیتی معروف

است. تأکید اصلی این تئوری بر آن است که چگونه شرایط ساختاری در یک اجتماع یا جمعیت مانند ناهمگونی و اندازه گروه، بر الگوهای تعامل یا پیوند اجتماعی (مانند ازدواج و دوستی) افراد تأثیر می‌گذارد. در نظریه ساختارهای کلان «پیش‌فرض اساسی این است که احتمال برقراری رابطه اجتماعی به فرصت‌های افراد برای تماس با یکدیگر بستگی دارد. در واقع، هر چه افراد در فضایی به هم نزدیک‌تر باشند، احتمال بیشتری وجود دارد که همدیگر را ملاقات کنند و این تماس‌ها شانس یا احتمال این که آن‌ها ارتباط و دوستی را آغاز کنند افزایش می‌دهد (موحد و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۹) به طور خلاصه در این تئوری تأکید بر این است که فرایندهای بین فردی تحت فشار خصیصه‌های ساختار کلان است.

نظریه مبادله، رابطه با جنس مخالف خارج از چارچوب و قواعد پذیرفته شده فرهنگی را به عنوان یک مبادله بین دو جنس در نظر می‌گیرد. مطابق این نظریه، محیطی که رفتار در آن رخ می‌دهد (خواه اجتماعی و خواه فیزیکی) از رفتار تأثیر می‌پذیرد و آن هم به نوبه‌ی خود به روش‌های گوناگون بازخورد دارد. این واکنش (مثبت، منفی و خنثی) بر رفتار بعدی کنشگر اثرگذار است. اگر این واکنش برای کنشگر پاداش داشته باشد احتمال دارد همان رفتار در آینده در موقعیت‌های مشابه تکرار شود، اما اگر این واکنش برای کنشگر آسیب، تنبیه یا پیامد منفی داشته باشد، احتمال تکرار آن کاهش می‌یابد (ریتزر، ۱۳۹۰: ۲۳۶). لذا در نظریه مبادله رفتار انسان شبیه مدل‌های اقتصاد و سود و زیان در بازار است، یعنی انسان‌ها خواهان حداکثر پاداش و حداقل هزینه هستند (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۷: اسکیدمور، ۱۳۸۵).

علاوه بر تئوری‌های فوق، مسأله مورد مطالعه را می‌توان با عنایت به نظریه تحول و دگرگونی فرهنگی و ارزشی اینگلهارت تبیین نمود. این نظریه به دنبال فهم چگونگی و چرایی تغییر و تحولات فرهنگی و ارزش‌ها و نگرش‌های جوامع است. ایشان درباره‌ی تغییر فرهنگ‌ها معتقد است که هر فرهنگ، رهیافت مردم را در تطابق با محیط‌شان نشان می‌دهد و این رهیافت در بلندمدت به دگرگونی‌های سیاسی، اقتصادی و تکنولوژی پاسخ می‌دهد. جهان‌بینی مردم تنها به آن‌چه که بزرگترین به آن‌ها می‌آموزند بستگی ندارد، بلکه جهان‌بینی آن‌ها با تجارب کلی زندگی‌شان شکل می‌گیرد و گاهی تجارب سازنده‌ی یک نسل جوان عمیقاً از تجارب نسل‌های گذشته متفاوت است (اینگلهارت، ۱۳۸۳). هر چند وی بر تأثیر تغییرات تکنولوژیک و اقتصادی در تغییرات نگرشی و ارزشی جوامع (به ویژه غربی) تأکید بیشتری می‌کند، اما از نقش عامل دیگری نیز بحث می‌کند که خود، آن را میراث فرهنگی و اجتماعی جوامع می‌نامد (اینگلهارت و بیکر، ۲۰۰۱: ۲۰).

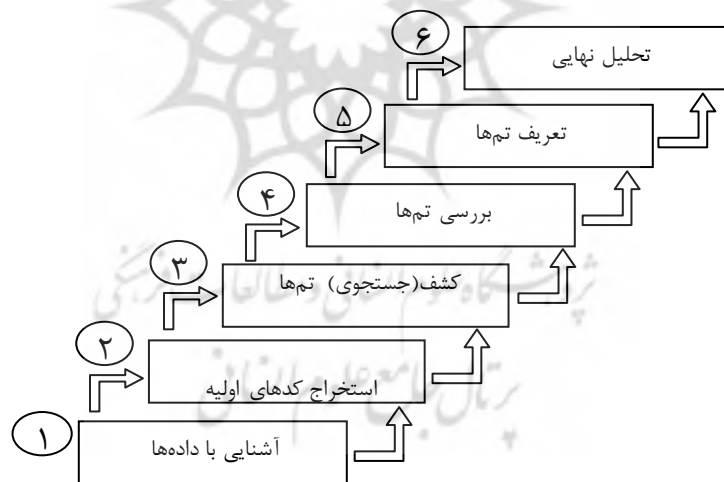
## روش

از آن‌جا که نوع پژوهش در این مطالعه مبتنی بر پارادایم کیفی با روش تحلیل تماتیک است. لذا شیوه اصلی گردآوری داده‌ها در آن مصاحبه می‌باشد، زیرا گفتمان‌های تفسیری برای همه سنت‌های تفسیری چنان اهمیت دارد که تصور وجود و پیشرفت این سنت‌ها و جریان‌های فکری، بدون روش‌شناسی طراحی شده برای مطالعه آزمودنی و گفتارهایشان بسیار دشوار است. سؤال کردن و گوش دادن به دیگران به ما می‌گوید؛ آن‌ها چه می‌دانند و چه احساس و باوری دارند؛ این فرایند پرسیدن و

## مطالعه کیفی زمینه‌های گرایش دختران به جنس مخالف (مورد مطالعه):

گوش دادن، همان کهن الگوی مصاحبه است (لیندلف و تیلور؛ ۱۳۸۸). در این پژوهش انتخاب نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی و تعیین حجم نمونه با استفاده از معیار اشباع نظری<sup>۱</sup> انجام گرفت. اشباع نظری به این معناست که در فرایند گردآوری داده‌ها، هیچ داده جدیدی پیدا نشود که به وسیله آن بتوان ویژگی‌های مقوله را توسعه داد؛ به طوری که به تدریج محقق مطمئن می‌شود که مقوله‌های او اشباع شده‌اند و از جستجو برای دستیابی به داده جدید و تنوع داده دست می‌کشد (گلاسر و استروس، ۱۹۶۷: ۶۱). برای تحلیل داده‌ها از تحلیل تماتیک<sup>۲</sup> استفاده شد که به دنبال الگویابی در داده‌هاست. قلمرو مکانی این پژوهش، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام و قلمرو مفعولی آن دانشجویان دختر ۱۸ تا ۳۰ بودند که پس از انجام ۳۰ مصاحبه، اشباع نظری حاصل شد.

داده‌های مورد استفاده در این تحلیل از مصاحبه ۳۰ دانشجوی کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام گردآوری گردیده، سؤالات اصلی تحقیق مبتنی بر واقعیات موجود جامعه ایران بود و سعی شد تا دانشجویان تجربیات و دیدگاه‌های خود را در خصوص دلایل گرایش به رابطه با جنس مخالف را شرح دهند که این مسأله به نوعی تعیین‌کننده سؤالات مصاحبه، مدیریت و تحلیل بود. تحلیل تم حاضر براساس سؤالات پژوهش و به صورت بالا به پایین و با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساخت یافته انجام گرفت. تحلیل براساس فرایند شش مرحله‌ای براون و کلارک (آشنایی با داده‌ها- استخراج کدهای اولیه- کشف (جستجوی) تم‌ها- بررسی تم‌ها- تعریف تم‌ها- نگارش و تحلیل نهایی) صورت گرفت.



شکل (۱): چارچوب شش مرحله‌ای براون و کلارک برای انجام تحلیل تماتیک

در طول انجام کار براساس فرایند شش‌گانه مذکور، مرحله به مرحله کار تحلیل انجام گرفت به این معنا که بعد از مطالعه دقیق مصاحبه‌ها، با یک روش معنادار و سیستماتیک داده‌ها سازماندهی گردید، در

- 1- Theoretical saturation
- 2- Thematic Analysis

مرحله بعد به جستجوی تم‌ها پرداخته شد و تم‌های فرعی نیز شناسایی گردید، در اقدام بعدی برای آن که بدانیم آیا تم‌های فرعی ایجاد شده به خوبی مفاهیم را پوشش می‌دهند یا خیر، تم‌ها بررسی و سپس اصلاح و تعریف گردیدند و نهایتاً تحلیل نهایی صورت گرفت.

## یافته‌ها

**یافته‌های توصیفی؛** نمونه مورد مطالعه در این پژوهش ۳۰ نفر از دانشجویان دختر مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام در دامنه‌ی سنی ۱۸ تا ۳۰ سال بودند که تجربه‌ی رابطه دوستی با جنس مخالف را نیز داشته‌اند. به لحاظ سنی ۲۳/۳ درصد ۲۱ ساله، ۱۶/۷ درصد ۲۲ ساله، ۱۶/۷ درصد ۲۳ ساله، ۱۳/۳ درصد ۲۰ ساله، ۱۳/۳ درصد ۲۴ ساله، ۱۰ درصد ۲۵ ساله و ۶/۷ درصد ۱۹ ساله بودند. نتایج آماری بیانگر آن است که مشارکت‌کنندگان به طور میانگین با ۲ نفر از جنس مخالف رابطه دوستی داشته‌اند و ۸۰ درصد آنها در این رابطه تماس جسمی و ۵ درصد نیز رابطه نیز رابطه جنسی با جنس مخالف داشته‌اند. کم‌ترین سن شروع رابطه با جنس مخالف ۱۷ و بیش‌ترین سن ۲۶ سال بود.

**(ب) یافته‌های تحلیلی؛** سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که دختران چه نگرشی نسبت به معاشرت و رابطه با جنس مخالف دارند و هدف آن‌ها از این روابط چیست و به چه دلایلی به این روابط گرایش دارند؟ به طور کلی در خلال مصاحبه‌های عمیق با دختران (که با همکاری یکی از پژوهشگران خانم صورت گرفت) و تحلیل آن‌ها سه هدف اساسی آن‌ها از رابطه (رابطه با هدف کسب شناخت، با هدف ازدواج و با هدف تنوع و سرگرمی) شناسایی شد. ضمن این که در سنخ‌شناسی علل گرایش آن‌ها به رابطه با جنس مخالف سه علل عمده فردی، اجتماعی و فرهنگی احصاء گردید.

جدول (۱): مفاهیم و مقولات استخراج شده از مصاحبه مشارکت‌کنندگان

تم اصلی	تم فرعی (مضامین فرعی)	مفاهیم / مقولات
دختران به جنس مخالف (مطالعه کیفی علل گرایش مخالف)	سنخ‌شناسی رابطه برحسب علل گرایش	الف) نیاز عاطفی (نیاز به محبت)، تعلق عاطفی و دلبستگی، نیاز جنسی، تنوع و سرگرمی (خوش گذرانی)، ازدواج ب) فشار گروه همسالان، مصرف رسانه‌ای، کیفیت روابط والد-فرزند ج) استخاله ارزشی، نظارت و کنترل خانواده، از بین رفتن قبح رابطه
	سنخ‌شناسی برحسب اهداف	۱) رابطه با هدف کسب شناخت ۲) رابطه با هدف ازدواج ۳) رابطه با هدف تنوع و کسب لذت

در زیر به اختصار به هر یک از مقولات و مفاهیم فوق با ارجاع به اظهارات و دیدگاه افراد مشارکت‌کننده در مطالعه پرداخته می‌شود.

**رابطه با هدف شناخت؛** دوستی با جنس مخالف برای هر فردی به تعریف‌های اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی وی برمی‌گردد. افراد با آگاهی نسبت به خود و تعریف اصول، در یک رابطه سالم قرار گیرند، در این پژوهش برخی از مشارکت‌کنندگان ارتباط با جنس مخالف را با هدف شناخت از جنس مخالف



## مطالعه کیفی زمینه‌های گرایش دختران به جنس مخالف (مورد مطالعه):

عنوان کرده‌اند و معتقدند که این روابط تجربه مثبتی در راستای کسب شناخت از جنس مخالف و دنیای آن‌ها است.

دریا ۲۱ ساله می‌گوید: «چه اشکالی داره که با جنس مخالف ارتباط داشته باشید، باعث می‌شه چشم و گوش تون باز بشه، در کل تجربه بدی نیست، برای ادامه زندگی مهم و لازمه، حداقل با دنیای پسران آشنا می‌شی و با این تجربه بعداً که ازدواج می‌کنی بهتر تصمیم می‌گیری».

به‌طور کلی، تحلیل مصاحبه‌های شرکت‌کنندگان مؤید این نکته است که تجربه‌ی دوستی و رابطه با جنس مخالف می‌تواند باعث شناخت بیشتر آن‌ها نسبت به روحیات، خلق‌وخو و بطور کلی دنیای مران شده و به آمادگی لازم برای رویارویی با همسر آینده و زندگی مشترک کمک نماید.

**رابطه با هدف ازدواج و انتخاب همسر؛** با توجه به شرایط فرهنگ و اجتماعی جامعه ایران و الگوهای مسلط جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن، ازدواج یکی از مراحل و دغدغه‌های اصلی دختران است. ضمن این‌که ازدواج یک امر زمان‌مند است و ظرف زمانی مناسب خودش را دارد و دختران به دلیل وجود مسأله‌ای بنام «سال‌های حساس<sup>۱</sup>» معمولاً تحت فشارهای اجتماعی و روانی بسیاری قرار می‌گیرند. کیمیا ۲۳ ساله می‌گوید: «دوره زمونه عوض شده، دوستی با جنس مخالف اگر اصولی و منطقی باشه میتونه به شما در انتخاب همسر و ازدواج کمک کنه، دوستی با جنس مخالف که هم‌اشار روابط غیراخلاقی و مبتذل نیست، خیلی از این روابط به ازدواج ختم میشه، دوست خود من به این شکل ازدواج کرده و زندگی خوبی هم دارند».

با توجه به یافته‌های پژوهش، برخی از دختران صرفاً با هدف ازدواج وارد رابطه با جنس مخالف می‌شوند که گاهی اوقات پسران به دروغ با وعده‌ی ازدواج آن‌ها را فریب می‌دهند که این مسأله مشکلات عاطفی، روحی و روانی فراوانی از جمله افسردگی، تنفر و بیزاری را برای دختران به همراه دارد.

**رابطه با هدف تنوع و کسب لذت؛** یکی از نیازهای اساسی جوانان، تفریح و سرگرمی و لذت بردن از زندگی است. در جامعه امروزی، تغییرات ارزشی با تغییر سبک‌های زندگی توأم بوده که از جمله عوامل مؤثر بر دگرگونی نگرش افراد به ویژه جوانان می‌باشد. یکی از ویژگی‌های سبک زندگی جوانان امروزی، رفتارهای فراغتی مبتنی بر الگوهای جدید زندگی است «الگوهایی که از شکل سنتی و منفعلانه به شکل مدرن و فعالانه تغییر یافته است» (بهرروزیان و حسنونند، ۱۳۹۵: ۲۰۲). این الگوهای جدید صرفاً استراحت در منزل، تماشای تلویزیون یا قدم زدن در پارک نیست بلکه رابطه با جنس مخالف به یکی از الگوهای جدید فراغتی در بین جوانان تبدیل شده است.

زهرا ۱۹ ساله می‌گوید: «این دل‌مشغولی‌ها قشنگه، چت کردن، قرار گذاشتن، کافی‌شاپ رفتن، ماشین‌سواری و ... سرگرمت می‌کنه، گاهی تا دیروقت با هم چت می‌کنیم».

۱- سال حساس، به دوره‌ای از زندگی دختران (معمولاً بین ۳۰-۱۸ سالگی) گفته می‌شود که در آن بیش‌ترین شانس برای ازدواج وجود دارد، که با گذر از این دوران و به تأخیر افتادن ازدواج به شانس ازدواج به تدریج کاهش می‌یابد.

مریم ۲۰ ساله می‌گوید: «خیلی از دخترا برای تفریح و سرگرمی با جنس مخالف رابطه دارن، به همین خاطر خیلی از اونا با چند پسر رابطه دارن، فقط می‌خوان وقتشون پر بشه، قرار بذارن، کافی‌شاپ برن، به‌رحال، برخی از دخترا از این کار لذت می‌برند».

### زمینه‌های گرایش به جنس مخالف:

#### الف) زمینه‌های فردی و شخصی:

۱- **نیازهای روانی و عاطفی:** داشتن رابطه به ویژه ارتباط عاطفی یک نیاز بنیادی است و پیام این روابط عشق، محبت و عاطفه است. در دوره نوجوانی و آغاز جوانی، انسان‌ها دچار تغییرات جسمی و روانی متعددی می‌شوند که در نتیجه بخشی از این تغییرات، تمایل دارند که بیش‌تر مورد توجه افراد دیگر به ویژه جنس مخالف قرار بگیرند، شدت این هیجانات و کشش‌های قلبی و روحی نقطه شروع روابط دختران و پسران در همه جوامع است. این مسأله در جامعه ما زمانی تشدید می‌شود که جوانان به ویژه دختران به دلایل گوناگون امکان دسترسی به روش‌های مشروع و مناسب برای تأمین نیازهای عاطفی و روانی خود ندارند.

اظهارات سمیه ۲۳ ساله این نکته را تأیید می‌کند: «آدم از نظر روانی دوس داره با کسی ارتباط برقرار کنه و معمولاً این ارتباط با جنس مخالف جذاب‌تر و هیجان‌آور، وقتی احساس می‌کنی یکی دوست داره، حس خوشایندی به آدم دس میده، خیلی از دخترها فقط بخاطر جلب محبت طرف مقابل وارد رابطه میشن»  
مطالعات روان‌شناختی ثابت کرده دخترانی که در خانه مورد حمایت عاطفی پدر خود قرار دارند در ارتباط با جنس مخالف دچار تصمیمات لحظه‌ای و شتاب‌زده نمی‌شوند زیرا از لحاظ عاطفی اغناء شده‌اند، بنابراین همدلی و هم‌زبانی والدین می‌تواند در تأمین نیازهای عاطفی دختران مؤثر باشد و در این خصوص احساس کمبود محبت نکرده و آن را در جایی دیگر جستجو نمایند و یا حداقل این‌که با عزت نفس بیشتری وارد رابطه شوند و از آسیب‌های بعدی آن مصون بمانند.

۲- **نیاز و لذت جنسی:** یکی از مهم‌ترین عوامل گرایش به جنس مخالف، ارضاء نیاز جنسی است. «براساس نظریه ماکس وبر، برآوردن امیال جنسی یکی از اهدافی است که برخی از جوانان در راستای دستیابی به آن صورت هدفمند به کنش می‌پردازند» (محمدی و محمدی، ۱۳۹۵: ۶۵۶). «بیداری غریزه جنسی دختر و پسر در مقطع نوجوانی و شدت تحریکات جنسی در جامعه نه فقط به دلیل تنزل وضعیت حجاب، بلکه به علت گسترش رسانه‌هایی مانند ماهواره، اینترنت و شبکه‌های ارتباطی که تصاویر و اطلاعات دقیق جنسی را به آسانی در اختیار نسل جدید قرار می‌دهد، امری است که توصیه به حرمت روابط آزاد را تا اندازه‌ای بی‌اثر کرده است» (سوزنچی، ۱۳۹۲: ۲۸).

فاطمه ۲۲ ساله اظهار می‌دارد: «حدود سه سال با یه پسر دانشجو رابطه داشتیم، از حدود ۱۹ سالگی با هم تماس جسمی داشتیم، بغلم می‌کرد، می‌بوسید و... اوایل حس خوبی نداشتیم اما مقاومتی هم

## مطالعه کیفی زمینه‌های گرایش دختران به جنس مخالف (مورد مطالعه):

نمی‌کردم، کم‌کم دوس داشتم، تقریباً شش ماه بعد با هم رابطه جنسی داشتیم، کم‌کم بهش وابسته شدم، بعد از آن هر بار می‌دیدمش، بی‌مقدمه بوس و بغلم می‌کرد، همین الان هم با این که رفته اما هر لحظه به یادشم».

سحر ۲۱ ساله می‌گوید: «پسره همسایه روبه‌روم بود، هر روز زیر سایه درخت روبرو خونمون می‌نشست، تقریباً هر روز می‌دیدمش، از نگاهش متوجه شدم که دوسم داره، کم‌کم بهش علاقه‌مند شدم، تا قبل از آن با هیچ پسری رابطه نداشتم، یه بار قرار گذاشتیم، منو به عکاسی دوستش برد، بعد از حرف زدن، بغلم کرد و منو بوسید. از ترس و هیجان نفسم به شماره افتاد اما حس خوبی داشتم، چند بار دیگه با هم جاهای مختلفی رفتیم تا این که یکی از اقوام ما را با هم دید و بعد از آن دیگه ترسیدم باهاش بیرون برم، در کل تجربه لذت‌بخشی بود».

در خصوص غریزه جنسی و نحوه‌ی ارضاء آن باید به روحیات و تفاوت‌های میان زن و مرد توجه اساسی کرد «نیاز به جنس مخالف یک بُعد مادی (رابطه جنسی) و یک بُعد معنوی (رابطه عاطفی) دارد» (سوزنچی، ۱۳۹۲: ۳۲). معمولاً دختران برعکس پسران که بر بُعد مادی رابطه بیشتر توجه دارند، بُعد معنوی را مدنظر دارند و معمولاً با این هدف وارد رابطه می‌شوند. به عبارت بهتر، «دختر در درجه اول دنبال یک رابطه عاطفی و سپس رابطه‌ی جنسی است، اما پسر در درجه اول خواهان رابطه‌ی جنسی است» (همان، ۳۲). به همین دلیل، معمولاً دختران ترجیح می‌دهند پس از آشنایی نسبتاً طولانی‌مدت، رابطه جنسی برقرار کنند.

**۳- تفریح و سرگرمی؛** «تفریح و سرگرمی و لذت بردن از زندگی، یکی از نیازهای انسان به ویژه جوانان است. جوانان تمایل زیادی به رفتارهای فراغتی و تفریحی دارند، رفتار فراغتی جوانان امروزی بیش‌تر مبتنی بر الگوهای جدید زندگی است» (بهروزیان و حسنوند، ۱۳۹۵: ۲۰۲). به عبارتی، در جامعه سنتی به دلیل شرایط اجتماعی و فرهنگی، هم‌نوابی با آموزه‌های سنتی و مذهبی الگوی غالب در جهت‌گیری‌های شناختی، عاطفی و کنش افراد به شمار می‌رفت و رفتارهای فراغتی نیز تابع استانداردهای معیارهای سنتی بود اما در جامعه جدید، زنان و دختران به دلایل متعدد اجتماعی و فرهنگی، نگاهی نو به خود و محیط اجتماعی دارند که برآیند آن تغییر در نیازها، سبک زندگی و نحوه گذراندن اوقات فراغت است به این معنا که الگوهای فراغتی مانند گذشته مطالعه کتاب، تماشای تلویزیون، استراحت در منزل یا قدم زدن در پارک نیست بلکه رفتن به مراکز خرید، کافی‌شاپ و حتی مسافرت با جنس مخالف نیز از الگوهای جدید فراغتی در بین جوانان است، جامعه مورد مطالعه (ایلام)، مسائل و چالش‌های یک جامعه در حال گذار از سنتی به جامعه مدرن را تجربه می‌ند و باعث تغییر در الگوهای رفتاری مردم شده است.

یلدا ۲۴ ساله می‌گوید: «دوره زمونه عوض شده، ما جوونا تفریحات پدر مادرا را دوس نداریم، اگه اونا دوس دارن برن زیارت، من دوس دارم با دوستام برم دور دور زدن یا جایی بشینیم حرف بزنینم، هر چند

شهر، کوچک و محدودیت‌های خودش دارد و همیشه می‌ترسم کسی ما را با هم ببیند و آبروریزی بشه، اما گاهی میشه بزنی بیرون، مخصوصاً اگر طرف ماشین داشته باشه تقریباً مشکل حله». زینب ۲۵ ساله یکی دیگر از شرکت‌کنندگان می‌گوید: «الان دیگه سبک زندگی جوونا عوض شده، سرگرمی‌ها هم عوض شده، سرگرمی جذاب دختر پسرا الان دوست پسر، دوست دختر داشتن، آخه حس و حال خاصی داره».

**۴- ازدواج؛** برخی از جوانان به ویژه دختران، صرفاً برای ایجاد زمینه‌های شناخت که منجر به ازدواج و رابطه‌ای متعهدانه و بلندمدت شود به سمت برقراری ارتباط با جنس مخالف می‌روند، در واقع «دختران جوان با توجه به جامعه‌پذیری خود، ازدواج را یکی از مراحل مهم زندگی خود می‌دانند، از این رو به تعویق افتادن این امر علاوه بر فشارهای اجتماعی می‌تواند فشارهای روانی بسیاری داشته باشد» (ابراهیمی و مهداد، ۱۳۹۸: ۳۶۵). هر چند بسیاری از این روابط با مخالفت خانواده، در نهایت منجر به ازدواج نمی‌شوند. اما ترس از مجرد نزد دختران باعث شده که به این روابط به عنوان فرصتی برای ازدواج نگاه کنند. ترس دختران از مجرد و آگاهی پسران به این موضوع باعث می‌شود تا پسران به دروغ با وعده ازدواج آن‌ها را فریب دهند، طبق نتایج پژوهش‌ها «حدود ۴۴ درصد دختران هدف اصلی خود از رابطه با جنس مخالف را ازدواج و انتخاب همسر اعلام کرده‌اند در حالی که ۲۵ درصد پسران چنین ادعایی دارند» (ذکایی، ۱۳۸۵: ۴۳).

فاطمه ۲۳ ساله می‌گوید: «۴ سال قبل با پسری دانشجوی آشنا شدم، همدیگه را دوس داشتیم اما او بیشتر ابراز احساسات می‌کرد، همش میگفت دوسم داره و میخواد باهام ازدواج کنه، حدود ۳ سال رابطه طول کشید، خیلی به هم وابسته شدیم، واقعاً احساس می‌کردم که قصد ازدواج داده، بارها همدیگه رو می‌دیدیم، در حد یک رابطه معمول دختر- پسری با هم ارتباط داشتیم، مادرم کم‌کم متوجه شد اما بعد از سه سال، گفت که شرایط ازدواج ندارم و سربازی را بهانه کرد. خیلی گریه کردم، تمام دنیا رو سرم خراب شد، همین حالا هم هر لحظه بهش فکر می‌کنم، همش خاطراتش را در ذهنم مرور می‌کنم».

هر چند امروزه برخی از ازدواج‌ها بر پایه همین روابط شکل می‌گیرند، اما در اکثر مواقع دختران به امیدی واهی چند سالی را به انتظار پسری می‌نشینند بی‌آن که در پایان ازدواجی اتفاق افتد.

## ب) زمینه‌های اجتماعی:

**۱- فشار گروه همسالان و دوستان؛** یکی از مهم‌ترین گروه‌های مرجع جوانان، گروه همسالان و دوستان است. همسالان از طرق منحصر به فرد و عمده‌ای در شکل دادن به شخصیت، رفتار اجتماعی، ارزش‌ها و نگرش‌های یکدیگر نفوذ دارند، معمولاً در سنین نوجوانی و جوانی برای هر دو جنس فشار زیادی از طرف دوستان و همسالان برای برقراری رابطه با جنس مخالف ایجاد می‌شود، به گونه‌ای که

دختران داشتن دوست پسر را یک نوع امتیاز و نشانه‌ی جذابیت خود و پسران داشتن دوست دختر به ویژه دوست دخترهای متعدد را نشانه قدرت، توانمندی و احساس مردانگی می‌دانند و نداشتن دوست غیر هم‌جنس را نوعی بی‌عرضگی و ناتوانی تلقی می‌کنند.

افسانه ۲۴ ساله یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید: «معمولاً دخترا پیش هم از دوست پسر و روابطشون میگن، این که کجا میرن و چکار می‌کنن، گاهی اوقات از هدیه‌هایی که برای همدیگه می‌خرن حرف می‌زنن، خوب اینا تأثیر میذاره، حسودیت میشه، این که یکی هست براشون هدیه میگیره، جوایب حالشونه، بالاخره تو هم وسوسه میشی، دوس داری کسی را داشته باشی...»

زینب ۲۱ ساله می‌گوید: «دخترایی که دوست پسر ندارن معمولاً اُمَل و بی‌کلاس محسوب میشن، برخی دوستام میگن دختری که دوست پسر نداره عمرش به فنا رفته، تا جوانی باید زندگی کنی بعد ازدواج باید بشینی گوشه یه خونه بچه‌داری و آشپزی کنی.»

فشار همسالان نیرویی است که در تعاملات جوان با همسالان خود نمود پیدا کرده و نوجوان را برای انجام دادن یا انجام ندادن کاری ترغیب می‌کند، اظهارات شرکت‌کنندگان مؤید فشار همسالان به صورت مستقیم و غیرمستقیم برای ارتباط با جنس مخالف است. رابطه دوستان و گروه همسالان با جنس مخالف و فقدان این روابط نزد فرد می‌تواند در دختران نوعی فشار و احساس محرومیت و نیاز عاطفی کاذب برای رفع این نیاز به الگوبرداری و تبعیت از گروه همسالان منجر شود.

**۲- مصرف رسانه‌ای (تأثیر وسایل ارتباطی)؛** در دهه‌های اخیر شاهد پیدایش و رشد روزافزون فناوری‌های نوین ارتباطی (ماهواره، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی) بوده‌ایم. «نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که ۶۰ درصد مردم از اینترنت استفاده می‌کنند، ۴۰ درصد کاربران اینترنت در گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال قرار دارند و اینترنت موبایل بیشترین میزان اتصال به اینترنت در ایران را دارد.» (اکبری‌تبار و اسکندری‌پور، ۱۳۹۲: ۲۳). شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز با ویژگی‌هایی چون چند رسانه‌ای و تعاملی بودن، در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته‌اند و نسل جوان امروزی مخاطبان اصلی این رسانه‌ها هستند و از طریق آن‌ها جامعه‌پذیر شده و ارزش‌ها و نگرش‌های جدید کسب می‌نمایند (جکسون هاریس، ۱۳۹۰: ۲۰۳). شبکه‌های مجازی دایره ارتباطات انسانی را گسترش داده است و زمینه‌های بیشتری برای شکل‌گیری روابط دختر و پسر با هدف روابط عاطفی و عاشقانه فراهم نموده است. به عنوان نمونه، تقریباً همه دختران به نقش مهم و تسهیل‌گر تلفن همراه و امکانات ارتباطی آن در رابطه با جنس مخالف اشاره کرده‌اند و آن را اولین عامل فراهم‌کننده این روابط می‌دانند.

نگین ۲۴ ساله می‌گوید: «روزی که دانشگاه رفتم یکی از پسرا شماره داد، مردد بودم که بهش پیام بدم یا نه، چند روز بعد به بهانه درسی بهش پیام دادم و خودم را معرفی کردم و رابطمون از آن روز شروع شد، بعد از آن مدام از طریق تلگرام و واتساپ با هم در ارتباطیم، قرار ملاقات می‌ذاریم و هر وقت از هم دوریم، تماس تصویری داریم. اگر واتساپ و تماس تصویری نبود، در این ایام کرونا که دانشگاه تعطیل

بود، کلاً نبود می‌شدم، گاهی اوقات تازه وقتی به رختخواب میریم، چت و پیام‌ها شروع میشه، بعضی مواقع تا دم صبح با هم چت می‌کنیم».

سارا ۲۰ ساله، دیگر شرکت‌کننده می‌گوید: «ایام کرونا که کلاس‌ها غیرحضوری شد، برای اطلاع‌رسانی استادان، گروه‌های واتس‌آپی و تلگرامی تشکیل دادن و ما را اد می‌کردند، در یکی از اون گروه‌ها با هم آشنا شدیم و بعد از آن گاهی به بهانه‌های آموزشی، دانشگاه می‌آمدیم و همدیگه را می‌دیدیم». یکی از خصوصیات فضای مجازی به ویژه شبکه‌های اجتماعی این است که دو جنس در این فضا به راحتی در دسترس هستند بدون آن که کسی بر این فضا نظارتی داشته باشد و یا آن را رصد و مختل کند، طرفین به راحتی می‌توانند محتوای دلخواه و مورد نظر خود مانند عکس، فیلم و صوت را برای همدیگر انتقال دهند. بنابراین توسعه و گسترش فناوری‌های ارتباطی باعث پیدایش روابط و دوستی‌های مجازی و اینترنتی شده که در بسیاری از موارد این دوستی‌ها به دنیای واقعی و روابط حضوری و چهره به چهره کشیده می‌شود.

**۳- کیفیت روابط والد- فرزند؛** یکی از عوامل تأثیرگذار در روابط جوانان و نوجوانان با جنس مخالف، کیفیت روابط والدین با فرزندان و مناسبات حاکم بر خانواده است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که «زندگی با هر دو نفر والدین، حضور پدر در خانه، نظارت و کنترل مناسب، رابطه خوب بین والدین و کودک و بالاخره نبود خشونت در خانواده (کربی، ۲۰۰۲؛ استنتون و همکاران ۱۹۹۹) از فاکتورهای حفاظت‌کننده‌ی خانواده مرتبط با رفتارهای جنسی جوانان است. «نوع ازدواج والدین، ساختار خانواده، ثبات خانواده و زندگی کردن به دور از خانواده به عنوان تعیین‌کننده‌های مهم رفتارهای جنسی در جوانان شناخته شده‌اند» (خلج‌آبادی فراهانی و مهریار، ۱۳۸۹: ۴۵۳).

سمیرا ۳۰ ساله می‌گوید: «الان دخترا با مامانشون خیلی راحتن، خیلی چیزا را همیشه بهشون گفت اما بابا و داداش‌ها معمولاً حساس‌ترند، همش می‌ترسم بابام یا داداشم بفهمن، دعوا میشه، دیگه نمی‌ذارن حتی پیام بیرون، مخصوصاً داداشم که بیش‌تر خونس و گاهی اوقات به تلفن‌هام حساس است».

شواهد نشان می‌دهد که ارتباط خوب والد- فرزند اثر محافظت‌کنندگی بر روابط دوستی قبل از ازدواج دارد. وجود تعارض والدین- نوجوانان می‌تواند تمایل نوجوان به فاصله گرفتن از خانواده را افزایش دهد و نوجوان را در شرایطی قرار دهد که برای رسیدن به آرامش و احساس امنیت، به دوستی با جنس مخالف روی آورد.

منصوره ۱۹ ساله می‌گوید: «برادرم اجازه نمیده اینستا و تلگرام داشته باشم. معمولاً من را کنترل می‌کنه، سابقه سرچ‌هامو چک می‌کنه، یه بار اینستا نصب کردم، فالوورام را چک کرد بعدش بدون اجازه حذفش کرد. حتی اجازه نمیده وارد گروه‌های مجازی اساتید که به خاطر کرونا تشکیل دادن بشم، میگه در این گروه‌ها پسرا هم هستن و تو نباید عضو بشی».

وجود خانواده‌های پدر سالار و اقتدارگرا به دلیل فقدان تعامل سازنده و مناسب در بین اعضای آن و محدودیت‌های فراوانی که برای دختران ایجاد می‌کند می‌تواند به ایجاد سرخوردگی، احساس تنهایی و انزوای بیشتر آن‌ها منجر شود.

### ج) زمینه‌های فرهنگی:

۱- **استحاله ارزشی و نگرشی؛** در مطالب قبلی اشاره کردیم که جامعه مورد مطالعه (ایلام) در دهه‌های اخیر به دلیل گسترش دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و ورود دانشجویان غیربومی، افزایش استفاده از وسایل ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای، در مسیر تغییرات فرهنگی و اجتماعی قرار گرفته و مسائل یک جامعه‌ی در حال گذار از سنتی به مدرن را تجربه می‌کند. پیامد چنین تحولاتی تغییر در نیازها، سبک زندگی، اوقات فراغت و در نهایت نظام ارزشی و نگرشی جوانان به ویژه دختران بوده است که باعث شده نگاهی نو و تازه به خود و محیط اجتماعی داشته باشند. نمونه این تغییرات، دگرگونی در فرایند تولید و بازتولید تعریف و تصور دختران از خود و روابط خود با جنس مخالف است. برخلاف آموزه‌های سنتی که برقراری رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج را ناپسند و مذموم می‌داند، آن‌ها ارتباط با جنس مخالف را کنش عادی تلقی می‌کنند و حتی چارچوب‌های اجتماعی و فرهنگی سنتی حاکم بر جامعه را نیز نقد می‌کنند.

معصومه ۲۳ ساله اظهار می‌کند: «الان جوونا به ویژه دخترا نسبت به گذشته رفتارشون خیلی تغییر کرده، جرأت و جسارت بیشتری دارن، خیلی به حرف دیگران اهمیت نمی‌دن، هر جور که خودشون فکر می‌کنن و دوست دارن رفتار می‌کنن، قبلاً اگر دفتر و پسری با هم ارتباط داشتن بیشتر مخفیانه بود اما الان خیلی راحت در خیابانا، پارک‌ها، کافی‌شاپ‌ها و ... با هم هستند. در کل فرهنگ جامعه تغییر کرده، مردم هم خیلی مثل گذشته حساس نیستن».

۲- **نظارت و کنترل خانواده؛** از نوجوانی به عنوان یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های زندگی انسان یاد می‌شود به این دلیل که هویت‌یابی در این سن شروع می‌شود و با تغییرات هورمونی و فرایندهای رشد، نوجوان دچار مشکلاتی با خانواده، دوستان و جامعه می‌شود. معمولاً این دوره با نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی همراه است. یکی از این دغدغه‌ها ارتباط عاطفی نوجوان با جنس مخالف است که در مواجهه با این مسأله رویکرد خانواده‌ها کاملاً متفاوت است و دامنه آن از کنترل شدید تا بی‌تفاوتی محض در نوسان است. واقعیت آن است که آشنایی با جنس مخالف یکی از اتفاقات عادی و رایج در دوران نوجوانی و بلوغ است اما آن‌چه اهمیت دارد نحوه‌ی مواجهه‌ی خانواده با این مسأله است. در این خصوص معمولاً خانواده‌ها به سه شیوه رفتار می‌کنند (۱) دسته اول بسیار سخت‌گیر هستند (۲) دسته دوم بسیار سهل‌گیر یا بی‌تفاوت هستند (۳) دسته سوم آن را به عنوان یک واقعیت می‌پذیرند و سعی در مدیریت آن دارند.

باید توجه کرد که در مواجهه با این مسأله هر دو رویکرد سخت‌گیرانه و سهل‌گیرانه مسأله‌ساز خواهد بود. والدین سخت‌گیر معمولاً بدون بررسی علت به وجود آمدن، سریع وارد عمل شد، و با اعمال محدودیت‌های شدید، درصد رفع آن برمی‌آیند، در چنین شرایطی ممکن است رفتار نوجوان به طور موقت خاموش شود اما ذهن و فکر او همچنان درگیر خواهد بود در مقابل والدین سهل‌گیر معمولاً موضعی انفعالی دارند و در بسیاری از موارد کاملاً تسلیم می‌شوند و نمی‌توانند بر آن کنترلی داشته باشند. مهناز ۲۴ ساله یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید: «مامانم کم و بیش در جریان روابطم هست اما به روم نمی‌آید، بهم اعتماد دارد و هر وقت میرم بیرون خیلی گیر نمیده، بابام صبح میره سرکار و حوالی عصر برمی‌گرده و بعد هم استراحت می‌کنه، بیشتر با مامانم سروکار دارم تا پدرم».

فرشته ۲۵ ساله می‌گوید: «در این دوره نمونه هر دختری که بخواد با پسری ارتباط داشته باشه هر جوری شده میتونه این کار را انجام بده، خیلی از خانواده‌ها دیگه به این موضوعات اهمیت نمیدن، اگر هم اهمیت بدن با وجود تلفن، واتساپ، تلگرام، دانشگاه و... کاری از دستشون ساخته نیست و نمیتونن کنترل کنن، هر چند این جا شهر کوچکه و خانواده‌ها از آبروریزی می‌ترسن و گاهی هم سفت و سخت کنترل می‌کنند اما باز اگه بخوان [دختر] کار خودشون را انجام میدن».

**۳- از بین رفتن قبح رابطه؛ واقعیت آن است که در دهه‌های اخیر به علت تحولات اجتماعی و فرهنگی و استحاله ارزشی به وجود آمده در جامعه به ویژه در بین نسل جدید، قبح رابطه با جنس مخالف تا حد زیادی شکسته شده و به فراگیر شدن آن کمک نموده است.**

با عنایت به نظریه‌های جامعه‌شناسی می‌توان گفت که این پدیده تابع وجدان جمعی با تعبیرهای خاص دورکیم از آن است. به این معنا، زمانی که افراد جامعه (نسل جوان) و به ویژه خانواده‌ها روابط بدون ضابطه با جنس مخالف را ضدارزش ندانند و ادراکی منفی از آن نداشته باشند، خواه ناخواه دامنه‌ی آن گسترده شده و بتدریج عامل تسری نیز به آن افزوده می‌شود. به این صورت که زمانی که الگوی رفتاری خاصی در بین اعضای جامعه رایج شود، سایر اعضا به تبعیت از آن اقدام می‌کنند، فراگیر شدن رابطه با جنس مخالف در بین گروه‌های همسالان، دوستان و سایر گروه‌های جامعه به تدریج نه تنها قبح مسأله را از بین می‌برد بلکه بر سایر جوانان برای ورود به چنین روابطی فشار وارد می‌کند.

الهه ۲۲ ساله می‌گوید: «قبلاً این روابط بیشتر در شهرهای بزرگ بود و در شهر کوچکی مثل شهر ما کمتر و اگر بود خیلی مخفیانه بود و پسر دختری سعی می‌کردند خیلی مراعات کنند. اگر کسی متوجه می‌شد برای هر دو بد می‌شد اما الان همه رابطه دارند و براشون هم مهم نیست که کسی متوجه بشه یا نشه، گاهی وقتا خودشون در جمع از روابطشون حرف می‌زنن و همین حرفا باعث می‌شه اونایی که رابطه ندارند، تحریک بشن و به رابطه‌ای وارد بشن».



دنیا ۲۵ ساله دیگر شرکت‌کننده می‌گوید: «بارها دیدم که برخی پدر و مادرا با افتخار از روابط پسرانشون با دخترا صحبت می‌کنند و میگن بذار راحت باشن، ما که از این کارا نکردیم بذار اینا برا خودشون از زندگی لذت ببرن».

به هر حال، پایین آمدن سن رابطه با جنس مخالف و گسترش این روابط در جامعه، حاکی از شکسته شدن قبح این روابط در جامعه است.

### بحث و نتیجه‌گیری

در خلال صفحاتی که گذشت پدیده‌ی رابطه بین دختر و پسر از دیدگاه جامعه‌شناسی و به صورت کیفی مورد بررسی قرار گرفت. واقعیت این است که رفتارهای دوستی دختر و پسر در طی دهه‌های اخیر در ایران گسترش یافته و در بروز و ظهور این پدیده عوامل مختلفی مؤثر بوده است. الگوی برآمده از داده‌ها بیانگر آن است که دختران با سه هدف کسب شناخت، ازدواج و تنوع و کسب لذت به رابطه با جنس مخالف گرایش دارند. به این معنا که دخترانی که بر مبنای شناخت به رابطه با جنس مخالف گرایش دارند، معتقدند که این رابطه تجربه مثبتی در راستای کسب شناخت از جنس مخالف و دنیای آن‌هاست. در خصوص رابطه با هدف ازدواج، اظهارات دختران مؤید این نکته است که یکی از دلایل گرایش آن‌ها به این روابط شکل‌گیری پیوند ازدواج است چرا که با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران و الگوهای مسلط جامعه‌پذیری، ازدواج یکی از دغدغه‌های اصلی دختران است. ضمن این که گرایش به جنس مخالف با این هدف نشان از یک تحول فرهنگی جدی است که نسل جوان امروز، الگوها و رویه‌های سنتی را به چالش می‌کشند. با استناد به نظریه آنتونی گیدنز می‌توان گفت، «دختران در پی رابطه‌های ناب و تداوم آن در آینده هستند رابطه‌ای که صرفاً به دلیل نفس رابطه و آن‌چه رابطه برای هر دو طرف به دنبال دارد جستجو می‌شود» (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۳۲). بنابراین می‌توان استنباط کرد الگوهای بیرونی، تنظیم شده و از پیش ساخته شده که در جامعه سنتی حاکم است به تدریج در جامعه جدید رو به زوال است. دسته سوم که در پی رابطه با هدف تنوع و کسب لذت هستند عمدتاً کسانی هستند که رویکردی تفننی و لذت‌طلبانه به این روابط دارند و بدون داشتن هدفی در آینده، به این روابط وارد می‌شوند. این روابط بیشتر به دنبال تغییرات ارزشی و فرهنگی است که در جامعه رخ داده است و نمود آن را می‌توان در سبک زندگی، نحوه گذران اوقات فراغت و نوع تفریحات و سرگرمی جوانان دید، به این معنا که یکی از ویژگی‌های سبک زندگی جوانان امروزی، رفتارهای فراغتی مبتنی بر الگوهای جدید زندگی است، الگوهایی که از شکل سنتی و منفعلانه به شکل مدرن و فعالانه تغییر یافته است. در این سبک زندگی رابطه با جنس مخالف یکی از الگوهای جدید فراغتی در کنار سایر الگوها جا افتاده و تثبیت شده است.

یافته‌های پژوهش در خصوص دلایل گرایش دختران به رابطه با جنس مخالف بیانگر عوامل فردی، اجتماعی و فرهنگی است. این عوامل عبارتند از نیازهای عاطفی (تعلق عاطفی و دل بستگی)، تنوع و سرگرمی، ازدواج، فشار گروه دوستان و همسالان، مصرف رسانه‌ای، کیفیت روابط والد-فرزند، استحاله ارزشی، نحوه نظارت، کنترل خانواده و شکسته شدن قبح رابطه و عادی شدن آن است.

نتایج تحلیل مصاحبه‌های پژوهش نشان می‌دهد که یکی از مهمترین عواملی که برقراری این روابط را آسان و تسهیل می‌کند رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی است که با ویژگی‌هایی چون چند رسانه‌ای و تعاملی بودن، رشد چشمگیری یافته‌اند و نسل جوان امروزی مخاطبان اصلی این رسانه‌ها هستند و می‌توانند به راحتی دوستان جدیدی بیابند و نهایتاً به روابط چهره به چهره و ملاقات‌های حضوری ختم شود و از آن‌جا که فضای مجازی امکان ارتباط بدون نظارت دیگران را برای جوانان فراهم می‌کند کسی نمی‌تواند در این روابط خللی ایجاد کند.

به طور کلی رسانه‌های الکترونیک و شبکه‌های اجتماعی به دلیل نقش ایجادکننده و تسهیل‌کننده روابط حائز اهمیت هستند. این یافته با پژوهش‌های ابراهیمی و مهداد (۱۳۹۸)، میرزایی و برگمدی (۱۳۸۹) و خواجه نوری و دل‌اور (۱۳۹۱) هم‌سو می‌باشد. در مطالعات خارجی نیز بیشتر مطالعات بر روی دوستی و فضاهای مجازی به ویژه اینترنت تأکید شده است و نشان داده‌اند که فضاهای مجازی، بر روی کیفیت دوستی و عشق تأثیر داشته‌اند (هاردی و بوزول، ۲۰۰۶).

عامل مهم دیگری که دختران را به برقراری رابطه با جنس مخالف سوق می‌دهد، گروه دوستان و همسالان است. برخی تأکید کرده‌اند که روابط دوستی در زمینه ارتباط نوجوانان با همسالان برحسب تعلق‌پذیری و پایگاه در گروه نقش محوری دارد (کولینس، ۲۰۰۳). علیرغم این نکته، داده‌های تجربی بسیار کمی، نقش این روابط را بر دوستی و روابط گسترده‌تر با همسالان بررسی کرده‌اند. «معمولاً دختران زودتر از پسران به رابطه با جنس مخالف علاقه نشان می‌دهند (شارابانی و همکاران، ۱۹۸۱) و دوستی با جنس مخالف در نزد آنان بیش‌تر از پسران است (بلیس و همکاران، ۱۹۸۲). برخی از صاحب‌نظران اعتقاد دارند که با افزایش مدت زمان ارتباط با همسالان غیر هم‌جنس، از تعداد روابط با همسالان هم‌جنس کاسته می‌شود و به این ترتیب سرمایه‌گذاری کم‌تری روی دوستی با هم‌جنس صورت می‌گیرد (روزبلیت، ۱۹۸۳). هندریک و هندریک (۱۹۹۳) استدلال کردند که بودن با شرکای عشقی ممکن است منبع فشاری بر دوستی‌های نوجوانان باشد. وقتی رقابت با دوستان نزدیک بسیار زیاد می‌شود، به ویژه دختران ممکن است حسود شوند (روث و پارکر، ۲۰۰۱). به‌رحال گروه‌های همسال نقش مهمی را در زمینه شروع، فراوانی و شدت روابط عاشقانه در نوجوانی بازی می‌کنند (فورمن، ۱۹۸۹). در دوره کودکی و اوایل نوجوانی، روابط هم‌جنس بر عرصه‌های اجتماعی حاکم است (کروگت و همکاران، ۱۹۸۴) اما به تدریج و در اوایل جوانی، روابط به سمت روابط غیر هم‌جنس تغییر جهت می‌یابد. به طور کلی «گروه همسالان می‌تواند منبع فشار جهت هم‌نواپی با انتظارات مربوط به روابط عاشقانه باشد»

## مطالعه کیفی زمینه‌های گرایش دختران به جنس مخالف (مورد مطالعه):

(کونلی و گولدرگ، ۱۹۹۹) و دختران ممکن است بیشتر از پسران تحت تأثیر روابط عاشقانه همسالان باشند (میلر و همکاران، ۱۹۹۳).

تحلیل اظهارات مصاحبه شونده‌گان نشان می‌دهد دختران خود را با گروه همسالان مقایسه می‌کنند و تحت تأثیر الگوهای رفتاری آن‌ها قرار می‌گیرند. به این معنا که زمانی که الگوهای رفتاری خاصی در گروه رایج شود، اعضا به تبعیت از آن اقدام می‌کنند بنابراین فشار از جانب گروه دوستان و همسالان باعث گرایش دختران به ارتباط با جنس مخالف می‌شود. این یافته با نتایج پژوهش‌های ابراهیمی و مهداد (۱۳۹۸)، میرزایی و برغمندی (۱۳۸۹) هم‌سو می‌باشد. ضمن آن که مطالعات اگنیو (۱۹۹۱) و میناکر (۱۹۹۴) بر تأثیر گروه همسالان بر رفتارهای اجتماعی جوانان تأکید کرده‌اند.

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در روابط جوانان با جنس مخالف کیفیت روابط والدین با فرزندان و مناسبات حاکم بر خانواده است، شواهد نشان می‌دهد که ارتباط خوب والد-فرزند، اثر محافظت‌کنندگی بر روابط دوستی قبل از ازدواج دارد، وجود تعارض والدین-جوانان می‌تواند تمایل جوانان به فاصله گرفتن از خانواده را افزایش دهد و با از دست دادن مهم‌ترین حامیان و مشاوران خود یعنی والدین، جوانان را در شرایطی قرار دهد که برای رسیدن به آرامش و احساس امنیت به دوستی با جنس مخالف سوق دهد. وجود خانواده‌های پدرسالار و اقتدارگرا به دلیل فقدان تعامل سازنده و مناسب در بین اعضای آن و محدودیت‌های فراوانی که برای دختران ایجاد می‌کند می‌تواند به ایجاد سرخوردگی، احساس تنهایی و انزوای بیشتر آن‌ها منجر شود.

انگیزه‌هایی مانند نیاز به دوست داشتن (نیاز عاطفی)، لذت‌جویی و تفریح و سرگرمی (تفنن) جزء علل عمده و انگیزه‌های اصلی روابط عاشقانه و ارتباط با جنس مخالف در میان دانشجویان عنوان شده است. به نظر می‌رسد خانواده‌ها با بررسی و نیازسنجی مناسب دختران، می‌توانند اوقات فراغت آن‌ها را مدیریت کرده و با جهت‌دهی و نظارت بر چنین روابطی از آسیب‌های آن بکاهند. یافته‌های پژوهش ابراهیمی و مهداد (۱۳۹۸)، آزادارمکی و همکاران (۱۳۹۰) و محمدی و محمدی (۱۳۹۵) به این نکته تأکید کرده‌اند.

### منابع

- آذر، خدیجه؛ نامور، یوسف. (۱۳۹۶). «تجارب روابط دوستی دختر و پسر با رویکردی پدیدارشناسانه (مطالعه موردی: دانشگاه پیام نور استان اردبیل)»، فصلنامه مطالعات اجتماعی، روان‌شناختی زنان، سال ۱۵، شماره ۲، ۸۰-۴۳.
- آزادارمکی، تقی؛ شریفی ساعی، محمدحسین. (۱۳۹۰). «تبیین جامعه‌شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران»، فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی، شماره ۲، ۴۶۲-۴۳۵.
- آزادارمکی، تقی؛ شریفی ساعی، محمدحسین و طالبی، سحر. (۱۳۹۰). «سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، شماره ۲، ۳۴-۱.

- ابراهیمی، مرضیه، مهداد، فاطمه. (۱۳۹۸). «مطالعه کیفی زمینه‌های اجتماعی گرایش دختران به روابط پیش از ازدواج (مورد مطالعه: دانشجویان دختر خوابگاه شهر ارومیه)». فصلنامه مطالعات تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۸، شماره ۲، صفحات ۳۵۳-۳۷۸.
- اسکیدمور، ویلیام. (۱۳۸۵). تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی علی‌محمد حاضری و همکاران، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- اکبری تبار، علی‌اکبر، اسکندری‌پور، ابراهیم. (۱۳۹۲). رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی مجازی، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری تقارب و تبادل فرهنگی، چاپ اول.
- امامی، سبحان. (۱۳۸۲). «روابط دختر و پسر در ایران، نقش خانواده در کاهش روابط دختر و پسر»، فصلنامه علمی- تخصصی حوراء، نشریه علمی- فرهنگی، اجتماعی زنان، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، شماره ۲۸.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۸۲). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه‌ی مریم وتر، چاپ دوم، تهران: انتشارات کویر.
- پاشا، ابراهیم. (۱۳۸۶). از سازمان رسمی تا بوروکراسی، مجله علوم اجتماعی، شماره ۱۲، ۹۹-۸۱.
- جکسون هاریس، ریچارد (۱۳۹۰). روان‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه‌ی حسن اسدزاده و منیژه شهبازخان و اسماعیل سعدی‌پور، تهران: انتشارات سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول.
- حجازی، الهه، فرتاش، سهیلا. (۱۳۸۵). «تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های هویت، تعهد هویت و کیفیت دولتی»، پژوهش زنان شماره ۳.
- خرمایی، فرهاد، زارعی منوجان، نسیمه. (۱۳۹۶). «روابط بین دختران و پسران از دیدگاه دختران نوجوان: یک پژوهش کیفی»، دو فصلنامه مشاوره کاربردی، سال ششم، شماره دوم، ۱۰۶-۸۹.
- خلج‌آبادی، فریده و مهریار، امیرهوشنگ. (۱۳۸۹). «بررسی نقش خانواده در ارتباط با جنس مخالف در دختران دانشجو در تهران»، خانواده‌پژوهی، شماره ۲۴، صفحات ۴۶۸-۴۴۹.
- خلج‌آبادی، فریده، کاظمی‌پور، شهلا و رحیمی، علی. (۱۳۹۲). «بررسی معاشرت با جنس مخالف پیش از ازدواج بر سن و تمایل به ازدواج در دانشجویان شهر تهران»، خانواده‌پژوهی، شماره ۳۳، صفحات ۲۸-۷.
- خواجه نوری، بیژن، دل‌آور، مریم‌السادات. (۱۳۸۹). «عوامل مؤثر بر دوستی دختر و پسر در بین جوانان شهر شیراز، با تأکید بر فرایند جهانی شدن»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و سوم، شماره ۴۶، ۶۴-۴۱۰.
- دیلینی، تیم. (۱۳۸۷). نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی بهرننگ صدیقی و وحید طلوعی، تهران: نشر نی.

## مطالعه کیفی زمینه‌های گرایش دختران به جنس مخالف (مورد مطالعه):

۱. - ذکایی، محمدسعید. (۱۳۹۹). *جامعه‌شناسی جوانان ایران*، تهران: نشر آگه، چاپ اول.  
- رجبی، ماهرخ، البرزی، صدیقه. (۱۳۹۶). «نگاهی جامعه‌شناختی به رابطه‌ی تماشای ماهواره و دوستی با جنس مخالف»، دو فصلنامه‌ی مشارکت و توسعه اجتماعی، دوره دوم، شماره ۴، صفحات ۱۵-۱۸.
۲. - زارع شاه‌آبادی، اکبر، سلیمانی، زکیه. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مرتبط با گرایش دانشجویان به روابط پیش از ازدواج در دانشگاه یزد»، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴، صفحات ۳۶۴-۳۳۹.
۳. - زیبایی‌نژاد، محمدرضا. (۱۳۸۷). «بازخوانی روابط دختر و پسر»، فصلنامه علمی- تخصصی حوراء (نشریه علمی، فرهنگی، اجتماعی زنان) دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، شماره پیاپی ۲۸، ۱۰-۳.
۴. - سوزنچی، حسین. (۱۳۹۲). «ارائه چارچوبی اسلامی برای سلامت روابط جنسیتی دختران»، فصلنامه تخصصی اسلام و مطالعات اجتماعی، سال اول، شماره اول.
۵. - کشاورز، حمید، رضایی‌پور، ناهید. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر گرایش جوانان به جنس مخالف در دانشگاه صنعتی اصفهان»، بندرعباس، اولین همایش ملی اسلام و سلامت روان.
۶. - کوزر، لوئیس. (۱۳۸۶). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۷. - کوزر، لوئیس، روزنبرگ، برنارد. (۱۳۸۷). *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
۸. - کیویستو، پیتر. (۱۳۸۵). *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۹. - لیندلف، تامس، تیلور، برایان. (۱۳۸۸). *روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات*، ترجمه‌ی عبدالله گیویان، تهران، همشهری.
۱۰. - محمدی، فردین، محمدی، حسین. (۱۳۹۵). «مطالعه کیفی پیامدهای ارتباط با جنس مخالف در میان نوجوانان دختر و پسر (مطالعه موردی: نوجوانان شهر مشهد)»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۵، شماره ۴، صفحات ۶۶۲-۶۴۱.
۱۱. - موحد، مجید، عباسی شوازی، محمدتقی، هاشمی‌نیا، زهرا. (۱۳۸۸). «ناهمگونی جنسیتی، نگرش افراد و ارتباط دختران و پسران در دانشگاه»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال یازدهم، شماره ۴۴.
۱۲. - میلز، سی‌رایت. (۱۳۸۱). *نقدی بر جامعه‌شناسی آمریکایی*، بینش جامعه‌شناختی، ترجمه‌ی عبدالمعبود انصاری، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- Agnew, .. 1991.. "The interactive effects of peer variables on delinquency", American Journal of Criminology, Vol. 29, No.1, PP. 47-72.
- Alexander, M; Grade, L; Kande, S; Sh-een, ee la, G. 2006.. "Race and Sex: premarital partnership formation among young women and men", Reproductive health matters, No.14: 144-155.
- Brown, S; Sanchez, L; Nock, S; Deines, J; Wright, J. (2006). "Links between premarital cohabitation and subsequent marital quality, stability, and divorce: A comparison of covenant versus standard marriages", Science research, No, 35: 456-470.
- Chiao, .. 2010.. "Community context and the prevalence of premarital sex among young women in Kenya and the Philippines: Trends and Differences 1993 to 2003", Health and Place, No, 16: 512-522.
- Clarke, V & Aaron, V. 2013.. "Teaching thematic: overcoming challenges and developing strategies of effective learning, the psychologist", 2622, 120-123.
- Glaser, G and Strauss Anselm, L. 1967.. "The grounded theory: Strategies for Qualitative Research, Aldine transaction a division of transaction publishers", New Brunswick U.S.A and London.
- Hardie, E. & S. Buzwell. (2006). "Finding love online: The Nature and Frequency of Australian Adult's Internet Relationships", Australian Journal of Emerging Technologies and Society, Vol. 4, No.1, PP. 1-14.
- Kirby, D. 2002.. "Antecedents of adolescent initiation of sex, contraceptive use, and pregnancy". American Journal of Health Behavior, 26 66, 473-85.
- Stanton .. F. & Fitzgald, A. M. 1999.. "HIV risk behaviors, intentions, and perceptions among Namibian youth as assessed by a theory based questionnaire". AID Education Prevention, 11 (2). 132-49.
- Whitty, M.T. 2008.. "Liberating or debilitating? An examination of romantic relationship, sexual relationship and friendships on the Net, Computers in Human Behavior", Vol. 24, PP. 1 37-1850.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی